

یادداشت

چین چگونه مسیر خود را پیدا کرد؟

پیمان مولوی

دبیر کل انجمن اقتصاددانان ایران

● این روزها بحث چین بسیار داغ شده است، هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی؛ در سطح جهانی چین به آرامی در حال خارج‌شدن از نقش قبلی است و آماده برای تغییر بر اساس چرخه کندراتیف و هژمسون. چرخه کندراتیف که از ترقی بریتانیا و به نقطه اوج رسیدن آن شروع شد و در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۹۶ رو به افول نهاد و آمریکا سر برآورد و با صنایع شیمیایی و غذایی مدرن این جایگاه را تا ۲۰۰۰ پیمود و حال جهان در حال گذار است؛ بیشتر صاحب‌نظران روی چین شرط بسته‌اند. اما در بحبوحه جنگ تجاری آمریکا و چین کمتر کسی را می‌بینید که بدون تعصب راوی توسعه فکری در چین باشد! همان‌طورکه بسیاری با تعصب در دهه‌های گذشته رشد ایالات متحده را زیر سؤال بردند و فرصت‌های بسیاری را از اقتصاد گرفتند! اما چین و حرکت این کشور به مدار توسعه خود داستانی جالب دارد.

بسیاری چین را هنوز کشوری کمونیست می‌نامند، این‌اطلاق با مامدانه است یا از سر ناگاهی! می‌خواهیم ببینیم که تحول و اراده تحول‌خواهی چگونه در کشوری با میلیاردها جمعیت توانسته است به اینجا ختم شود.

در سال ۱۹۸۰ گروهی از اقتصاددانان رفرمیست از جمله اکسو موکیائو گزارش و سندی را که حاوی خطوط اصلی اصلاحات در چین بود، منتشر کردند. این سند شامل برنامه اصلاحات و سازماندهی نگاه‌ها مطابق با کارایی اقتصادی، تولید کالا، نقش بازار در حرکت برنامه وتمرکززدایی اقتصادی بیشتر، برای استفاده مقامات رسمی بود.

لی شیاینان رئیس‌جمهور اسبق و عضو حزب کمونیست چین پس از مطالعه این سند نوشته بود: من متن را دو بار خواندم و از آن سر در نیاوردم! این حکایت نشان از وضعیت اسفناک دانش اقتصادی و رشته اقتصاد در سرازان دوره اصلاحات در چین بود، رشته اقتصادی که از سال‌های ۱۹۵۰ به محاق رفته بود اما چین برای مدرن‌شدن و توسعه به آن نیاز داشت. کار از تجدید ساختار این رشته آغاز شد و تمام قدرت سیاسی نیز یی‌چون‌وچرا آن را حمایت می‌کرد. لین اقتصاددان معروف آکسفورد در این باب جمله مهمی دارد: درحالی‌که در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی اشباع نظری وجود دارد (در حوزه اقتصاد) و پیشنهادهای عملی، رهبرانی را که نمی‌خواستند یا نمی‌توانند اصلاحات اساسی را آغاز کنند، تحت فشار قرار داده است اما در چین رهبرانی وجود دارد که برای اصلاحات بی‌تاب هستند اما فاقد ضرورت نظری و برنامه‌کار!

سیر تحولات به‌گونه‌ای شد که شاید تعداد استادان اقتصاد این روزها در چین به اندازه بریتانیا باشد! دیارتمان‌های اقتصادی که از تئولیرالیسم تا رویکردهای سوسیالیسم بازارمحور همه‌همه به مرور در ۳۰ سال اقتصاد چین را به لحاظ فکری تغذیه کرده‌اند. چین بر خلاف بسیاری از کشورها که همه‌چیزدان هستند، با آغوش باز نظریات مختلف را جویا شد! بنیاد فورد و انجمن اقتصاد آمریکا بازگران کلیدی در استقرار رشته اقتصاد بودند. به تصور کنید کشوری که سال‌ها با هم دچار اختلاف بودند و رودررو برای انتقال از اقتصاد نافرجام چین به اقتصاد بازارمحور از قیب خود کمک می‌گرفت البته این بازی برای هر دو منفعت داشت و بازار یک‌میلیاردی چین برای سرمایه‌گذاران آمریکایی بسیار جذاب بود!

رهبری انجمن اقتصاد آمریکا بر عهده گریگوری چاو، استاد اقتصاد پرنیستون بود و وی از شاگردان میلتون فریدمن بود؛ خود فریدمن برای سخنرانی چین دعوت شد! تخصص فریدمن در زمینه تحلیل قیمت‌ها و نیز جهت‌گیری ضدتورمی بنیادگرایانه بود و این برای چینی‌ها جذاب بود؛ چراکه آنها سال‌ها با تورم درگیر بودند!

اصلاحات قیمتی در چین در رأس برنامه‌ها قرار گرفت و به مرور در سال ۱۹۸۴ رفرمیست‌ها بر طرفداران برنامه‌ریزی متمرکز پیروز شدند و به‌مرور قیمت‌های غیربازاری از اقتصاد چین رخت بر بستند. اقتصاد چین با بسیاری از اندیشکده‌های بزرگ جهان نزدیک شد، از مؤسسه اطلس، اندیشکده یونیورول مؤسسه منهتن و بسیاری از اندیشکده‌های دیگر و این کشور میزبان اجلاس‌های بزرگ اقتصادی بود! برخلاف تصور عموم و شاید متخصصین اقتصاد در ایران به‌منظور ارائه یک نظریه مدیریت متناسب با اقتصاد تحول‌یافته چین، برنامه‌های مدیریت اجرایی به‌صورت اقدام مشترک آمریکایی و یک شرکت اروپایی از سال ۱۹۸۴ آغاز شد و تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۶۰ هزار شرکت همگی مبتنی بر آموزش غربی (بله غربی) ایجاد شدند؛ در سال‌های ۱۹۹۰ اقتصاد غربی جای خود را به اقتصاد مدرن داد.

شاید اگر پرسیرد فرمانده توسعه اقتصاد چین کیست، باید بگویم علم اقتصاد، چین را به جایگاه فرماندهی رساند؛ آنها بدون تعصب از جهان یاد گرفتند و بدون ادعا چهار دهه کار کردند! در مقابل ما چه می‌کنیم؟ ما علم اقتصاد را هنوز قبول نداریم، هنوز خود را در تمامی مباحث عالم و بی‌نیاز از جهان می‌بینیم؛ راه تجربه و خطا را برگزیده‌ایم و هنوز چشم‌انداز را روشن ترسیم نکرده‌ایم! نه برای خود و نه جامعه!

روایتی از سرنوشت بی‌سرانجام یک معامله نفتی در زمان پهلوی دوم



صورت زنجیره‌ای تشکیل شده بودند تا نتوان به سهولت رد شرکت‌ها را پیدا کرد که از زمره اهداف سیاسی در آن زمان محسوب می‌شد. در این رابطه، بانک UBS زوریخ و یک مؤسسه حقوقی در لیختن‌اشتاین، عملیات مالی و حقوقی را انجام می‌دادند تا تمامی قضایا پنهان بماند. این شرکت‌های درهم‌تنیده در نهایت به شرکتی منتهی شده بود که دفتر آن در محله سیدخندان تهران بود که بعد از انقلاب تعطیل شد. فعالیت پیچیده فروش نفت به نحوی بود که هر کشتی که برای فروش نفت راهی می‌شد، به نام یک شرکت بود. عجیب آنکه وقتی پس از انقلاب برای پیگیری موضوع به دفتر سیدخندان مراجعه کردیم، دیدیم این شرکت بسته است و کسی در آنجا حضور ندارد و مجبور شدیم برای به‌دست آوردن مدارک، سراغ بانک UBS و مؤسسه حقوقی در لیختن‌اشتاین برویم».

این کارشناس ادامه می‌دهد: «شرکت ملی نفت ایران در قرارداد فروش نفت به اسرائیل، بدون گشایش ال‌سی، نفت را به اسرائیل می‌فروختند. در مکاتباتی که بین دکتر اقبال و آقای پرویز میناب که مدیر امور بین‌الملل شرکت نفت بود، انجام شده بود، آقای اقبال معترض بودند که اگر اسرائیل پول ما را پرداخت نکرد، دست ما به جایی بند نخواهد بود که در پاسخ آقای میناب نوشت که نگران نباشید، وزارت دارایی و بانک مرکزی اسرائیل این معاملات را تضمین کرده‌اند و در واقع اسرائیل مخاطب ایران بود».

پیش‌بینی‌ای که به واقعیت بدل شد

او ادامه می‌دهد: «پیش‌بینی دکتر اقبال درست بود و اسرائیلی‌ها پول نفتی را که خریده بودند تا زمان گروگان‌گیری پتروداخته بودند و زمانی که تحریم ایران به همین خاطر برقرار شد، هرگز دیگر پول را پرداخت نکردند. رقم آن در حدود ۴۰۰ میلیون دلار در همان سال‌ها بود که رقم ۱۰۱ میلیارد دلاری رای دادگاه سوئیس در ۲۰۱۵ به واسطه جرائمی بود که به آن افزوده شد».

حسینی روایت جالبی از دغدغه آن روزهای وزارت نفت بر سر شکایت حقوقی از اسرائیل طرح کرده و می‌گوید: «ما برای شکایت درباره بازگشت پولمان از اسرائیل دچار مشکل بودیم؛ زیرا ما اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناختیم. کار به استفتا از امام خمینی(ره) نیز رسید. من استفتا را

اقتصاد

ندیدم، اما به نقل از آقای شهاب که آن زمان معاون حقوقی وزارت نفت بودند، ظاهرا وزارت نفت از نزدیکی به اسرائیل حتی برای شکایت نیز منع شده بود. گویا این موضوع سال‌ها بعد حل شد و به‌گونه‌ای شکایتی در یکی از دادگاه‌های سوئیس به ثبت رسید که سال‌ها به طول انجامید و در نهایت در سال ۲۰۱۵، رای به نفع ایران صادر شد، البته اسرائیل به‌هیچ‌عنوان زیر بار پرداخت این بدهی نرفت».

پیگیری برای فروش سهم ایران به نتیجه نرسید

او با نگاهی به تئوری‌ای که در وزارت نفت درباره این خط لوله دنبال می‌شد، می‌افزاید: «وقتی درفاتیما با این خط لوله به جایی نخواهیم رسید، به این دلیل که خط لوله در خاک اسرائیل است و ایران نیز بنا ندارد نفت به اسرائیل بفروشد و از سویی گمان می‌کردیم کشورهای عربی نیز به اسرائیل نفت نخواهند فروخت، به این نتیجه رسیدیم که این خط لوله خاک خواهد خورد؛ منتها نگرانی این بود که اسرائیل به نحوی برای این خط لوله، نفت فراهم کند که آن زمان روی این موضوع کار کردیم که سهم ایران در این خط لوله را به یک شرکت بفروشیم. این اقدامات به خوبی پیش رفت و شرکتی آلمانی که در معاملات نفتی فعالیت داشت نیز قدم پیش گذاشت، اما از سوی دولت ایران در این زمینه تصمیم‌گیری نشد».

به گفته او، بهترین راه این بود که ما همان اوایل سهم خود را به شخص ثالثی واگذار می‌کردیم و پول آن را هم دریافت می‌کردیم.

او با اشاره به زمان حاضر می‌گوید: «اسرائیل قطعا به دنبال آن خواهد بود که نفت امارات را از این طریق به اروپا برساند و خط لوله را عملیاتی کند. حال اگر از این خط لوله بهره‌برداری شود، چگونگی برخورد ایران با این مسئله، قطعا ابعاد سیاسی پیچیده‌ای خواهد داشت که باید دولت و مسئولان حقوقی و سیاسی کشور درباره آن بیندیشند».

ایران طلب یک میلیاردلاری از اسرائیل در اوایل انقلاب را پیگیری نکرد

یوسف مولایی، کارشناس حقوق بین‌الملل نیز در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «در ابتدای انقلاب، ایران از محل پروژه‌های نیمه‌تمام اسرائیل و قراردادهای خرید آنها که پول پرداخت شده و کالا تحویل نگرفته بودیم، یک میلیارد دلار از اسرائیل طلب داشت، اما جمهوری اسلامی ایران به دنبال مطالبات نرفت؛ زیرا موضع سیاسی ایران، به‌رسمیت‌نشناختن اسرائیل به‌عنوان یک کشور بود و اگر اقدامی حقوقی می‌کرد، به‌منزله به‌رسمیت‌شناختن اسرائیل بود».

او با اشاره به دادگاهی که در راستای پروژه خط لوله در سال ۲۰۱۵ برگزار شده و ایران نتوانسته بود رای دادگاه را به نفع کشور بگیرد، تصریح می‌کند: «وقتی اسرائیل جریمه ۱۰۱میلیارددلاری به ایران را پرداخت نکرد، قاعدا تا پیگیری حقوقی آن نیز می‌توانست دنبال شده و اموال آنها ضبط شود؛ زیرا اسرائیل در بسیاری از نقاط جهان، دارایی دارد و ردیابی آن سخت نیست».

به گفته مولایی، اگر پیگیری چنین پرونده‌هایی انجام نگیرد، مشمول مرور زمان شده و ممکن است دیگر قابل پیگیری نباشد که باید به صورت مجزا در مورد هر پرونده، بررسی‌های لازم صورت بگیرد.

خبر

۱۲۲۰۵ صادرکننده بدون کارت بازرگانی وجود دارد

● نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران اعلام کرد: از ۱۵هزارو ۳۶۶ شناسه صادراتی ثبت‌شده در بانک مرکزی، فقط سه‌هزارو ۱۶۱ فرد کارت بازرگانی فعال بوده‌اند. به گزارش ایلنا، حسین سلاح‌ورزی در توییتر خود نوشت: «رئیس بانک مرکزی فرموده‌اند، ۷۰ نفر از دارندگان کارت بازرگانی کارت‌ن‌خواب بوده‌اند. از ۱۵هزارو ۳۶۶ شناسه صادراتی ثبت‌شده در بانک مرکزی، فقط سه‌هزارو ۱۶۱ فرد کارت بازرگانی فعال بوده‌اند. چرا کسی در مورد هویت ۱۲هزارو ۲۰۵ صادرکننده بدون کارت بازرگانی صحبتی نمی‌کند؟ فقط همان ۷۰ کارت‌ن‌خواب مهم هستند؟»

ارجاع پرونده سازمان خصوصی‌سازی به دیوان محاسبات به دلیل لغونکردن واگذاری هفت‌تپه

● دیوان محاسبات اعلام کرد به دلیل «امتناع» سازمان خصوصی‌سازی از لغو واگذاری شرکت نیشکر هفت‌تپه، پرونده این سازمان به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارجاع داده شده است. به گفته دیوان محاسبات، سازمان خصوصی‌سازی با وجود «اذعان به تخلفات گسترده خریداران» از جمله «عدم پرداخت بیش از چهار قسط از اقساط واگذاری، عدم پرداخت بدهی شرکت به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و اجاره زمین‌های قابل کشت بدون اجازه از سازمان خصوصی‌سازی و انحراف منابع در خارج از فعالیت اصلی توسعه نیشکر» تاکنون این قرارداد را لغو نکرده است. بر اساس این گزارش، سازمان خصوصی‌سازی در «توجه» این اقدام خود «به دستورات مقامات مافوق استناد کرده است». علی‌نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس، روز ۱۰ مهر اعلام کرده بود در جلسه‌ای با حضور رئیس سازمان خصوصی‌سازی تصمیم گرفته شده قرارداد واگذاری شرکت نیشکر هفت‌تپه به امید اسدیبکی لغو شود. دیوان محاسبات نیز روز ۱۷ تیر در گزارشی اعلام کرده بود قرارداد واگذاری شرکت نیشکر هفت‌تپه باید لغو شود. خلع ید فوری کارفرمای بخش خصوصی از هفت‌تپه ازجمله درخواست‌های تجمع‌های اعتراضی کارگران این شرکت در چند سال اخیر بوده است. این شرکت سال ۹۴ به امید اسدیبکی واگذار شد.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی

بانک مسکن

وزارت راه و شهرسازی

کمیته عمران شهری امید

افتتاح، واگذاری گروهی زمین و آغاز عملیات اجرایی طرح اقدام ملی مسکن در سراسر کشور

همزمان با افتتاح ۴۰۱۸۰ واحد مسکن مهر در ۲۲ استان و اتمام مسکن مهر در ۷ استان

۱ آبان ۱۳۹۹

✓ معرفی ۲۵۳ هزار متقاضی به پروژه های طرح اقدام ملی مسکن

✓ واگذاری ۱۳۵ هزار زمین گروهی به متقاضیان طرح اقدام ملی مسکن

✓ افتتاح ۱۱۵۶۰ واحد مسکونی طرح اقدام ملی در ۸ استان کشور

✓ آغاز عملیات اجرایی ۶۹ هزار واحد مسکونی نیروهای مسلح، فرهنگیان و کارگران

✓ افتتاح ۴۰ هزار واحد مسکن مهر در ۲۲ استان و اتمام مسکن مهر در ۷ استان

جلسه غیر علنی مجلس

درباره قیمت‌گذاری دستوری فولاد به پایان رسید

مخالفت مجلس با ایجاد رانت توسط دولت

شرق؛ تاثیر قیمت دلار بر نرخ فلزات و افزایش قیمت ماده اولیه برای صنایع داخلی، همواره مورد اعتراض فعالان بخش تولید بوده است اما دولت.

تکرار رانت پنج هزارمیلیاردی

وحدید یعقوبی، مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران در گفت‌وگو با «شرق» درباره قیمت‌گذاری دستوری فولاد و تعیین قیمت‌هایی تا ۶۰ درصد کمتر از قیمت‌های جهانی عنوان می‌کند: چنین چیزی اعلام نشده و حتی تصویب هم نشده بود. وزارت صمت پیش‌نویسی درباره قیمت‌گذاری دستوری فولاد تهیه کرده بود. این پیش‌نویس قرار بود در دولت نهایی شود. او ادامه می‌دهد: با اطلاعاتی که دریافت شد و مخالفت‌هایی که همه نسبت به قیمت‌گذاری دستوری داشتند، خوشبختانه با مخالفت مجلس روبه‌رو شد. یعقوبی تاکید می‌کند: قیمت‌گذاری دستوری عامل توزیع رانتی عظیم می‌شود. در گذشته هم این مسئله تجربه شده بود و باعث می‌شد فولاد به نصف قیمت دست دلال برسد. بارها این رویه تجربه شده است. در سه بازه زمانی مختلف این سیاست در پیش گرفته شد و هیچ‌وقت نفعش به مردم نرسید. او یادآور می‌شود: مشخص‌ترین مورد آن در سال ۹۵ بود که قیمت فولاد با ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی محاسبه و در بورس کالا عرضه شد، به این امید که محصول نهایی دست مردم ارزان‌تر برسد اما فقط شش درصد شش فولادی خریداری‌شده به‌صورت محصول در بورس کالا عرضه شد. با تصمیم اخیر دولت، تجربه رانت پنج‌هزارمیلیاردی که در دو ماه مرداد و شهریور ۹۷ برای عده‌ای ایجاد شد، دوباره تکرار می‌شود.

رد تصمیم دولت در مجلس

مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران می‌گوید: بورس و انجمن فولاد در مصاحبه‌هایی مخالفت خود را با تصمیم دولت اعلام کردند. او اضافه می‌کند: در جلسه‌ای که دقایقی قبل (زمان تنظیم گزارش) در مجلس برگزار شد، این طرح رد شد و مجلس هم با طرح دولت مخالفت کرده است. قرار است دولت طرح دیگری تنظیم کند. یعقوبی یادآور می‌شود: وزارت صمت اگر بخواهد طرح قیمت‌گذاری دستوری را در بورس کالا اجرا کند، باید در ستاد هماهنگی اقتصاد دولت این مسئله تصویب شود. او اضافه می‌کند: دولت این پیش‌نویس را تهیه کرده بود. با فشاری که آمد و سهامداران و بازار سرمایه و بقیه فشار آوردند، این طرح پس از مطرح‌شدن در مجلس توسط نمایندگان ملت صراحتاً رد شد و نمایندگان با آن مخالفت کردند.

ادامه در صفحه ۱۱